



<p>جلسه ۱۰۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره شصت و هشتم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه شنبه ۲۴ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۲ ذیقعده الحرام ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات



تذکر و اطلاع

نظر بمداوله ماده اول قانون اجازه طبع صورت مشروح مذاکرات جلسات عتی مجلس مصوب ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ شمسی که مذاکرات قبل از دستور را اجازه طبع نمیدهد چون در جلسه ۱۰۲ مورخه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۰۶ کلیه مذاکرات مربوط بمسائل قبل از دستور بوده است لذا از طبع آن صرف نظر شده و پس از طبع صورت مذاکرات جلسه ۱۰۱ بلا فاصله بیدرج صورت مذاکرات جلسه ۱۰۳ اقدام شده است

صورت مشروح مجلس شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۲ ذیقعده ۱۳۴۵

جلسه ۱۰۳

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای
پیرنیا تشکیل گردید)
آقایان : میرزا حسینخان موقر - نظام مافی - سید
ابراهیم ضیاء - محمد آخوند - عطاء الله خان پالیزی -
حشمتی - نوبخت - میرزا محمد تقی بهار
(صورت مجلس پنجشنبه بیست و یکم اردیبهشت را
آقای بی سلیهان قرائت نمودند)

ردیف	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	اظهارات آقای حاج آقا رضا رفیع راجع به تعدیات مأمورین نسبت بصاحبان جنگل و تقدیم ماده واحده راجع به بلا اثر گذاردن تصویب نامه صادره در این موضوع	۱۳۶۹	۱۳۷۱
۲	شور اول نسبت به خبر کمیسیون معارف راجع به ورزش اجباری در مدارس	۱۳۷۱	۱۳۷۳
۳	مذاکره در فوریت طرح تقدیمی آقای حاج آقا رضا رفیع راجع به بلا اثر گذاردن تصویب نامه صادره در موضوع جنگل و ارجاع آن به کمیسیون فوائد عامه	۱۳۷۳	۱۳۸۲
۴	بقیه شور اول نسبت به لایحه ورزش اجباری در مدارس	۱۳۸۲	۱۳۸۷

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: علیخان اعظمی - آقا سید حسن مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک در آمده با اجازه جلسه قبل

آقای بهبهانی

در آمده کان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: امیر حسینخان ابلخان - مرتضی قلیخان بیات - دشتی - شریعت زاده - میرزا ابراهیم خان قوام

مهدوی - میرزا حسن خان وثوق

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - در دستور عرض دارم

رئیس - صورت مجلس مخالی دارد یا نه؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای حاج آقا رضا رفیع رفیع - آقایانی که در دوره پنجم سمت وکالت داشتند اطلاع دارند که راجع به جنگل بنده چندین مرتبه در مجلس اظهاراتی کردم. در ۱۳۰۴ یک تصویبنامه صادر شد در موضوع جنگل که بکلی مخالف بود با قانون اساسی مالکیت را از مردم سلب میکرد. دولت وقت یک صفرائی و کبرائی چید و یک نتیجه گرفت پیش خودش آمد و گفت هر جا مشجر است جنگل است و هر چه جنگل است مال دولت است حد وسط را هم انداخت و گفت هر جا مشجر است مال دولت است بنده هم در صفری حرف دارم و هم در کبری. اولاً هر جا مشجر است جنگل نیست. یاغچه ها هم مشجر است. ثانیاً اراضی مشجر است. همه گیلان مشجر است. یک وقت هم نماینده محترم اظهاری کردند حقیقه بنده از دیوار حمام انجیر چیدم از ساروج درخت انجیر در آمده بود که بنده انجیر چیدم و خوردم در گیلان هر کس رفته است میداند و صفش را. هر درختی را هم که آنجا میبرند اصلاً پنچ شش درخت دیگر بهلدوش اضافه میشود. بفاصله چند سال اگر هم نبرند خودش میریزد خاک میشود خلاصه اینکه یک تصویبنامه صادر کردند که بنده

دو سه ماده اش را قرائت میکنم برای اطلاع خاطر آقایان بعد حکمیت با آقایان است. ماده اولش این است: نظر اینکه جنگل یکی از ثروت‌های ملی بوده و بنا بر این باید در تحت اداره دولت باشد کلیه جنگلهای متعلق بدولت است. یکنفر از نمایندگان - چایی است؟

رفیع - بلد چایی است. مگر اینکه تعلق آنها بمالکین خصوصی بر حسب اسناد و مدارک معتبره ثابت شده باشد بهمین عنوان دست گذاشته شد روی تمامه اشجار و همینطور مردم باقیچه‌های سندشان میدوند در ورانه‌ها و آقایان هم که ترتیب مالیه را میداند بالاخره تمام اشجار در تصرف دولت است. کاروان - پس مالک و متصرف چیست؟! از متصرف سند میخواهند؟ عجب!!

رفیع - بی سند میخواهند. در ماده پنچ مینویسد: قطع اشجار صنعتی برای استعمال در داخله در جنگلهای اربانی بدون اجازه مخصوص وزارت فوائد عامه ممنوع است. در جنگل اربانی اگر ارباب درخت خودش را بخواهد بیندازد باید برود به وزارت فوائد عامه عرض کند اگر اجازه داد آنوقت اینکار را بکنند و اجریمه میگیرند. در دگر - این زمینها است برای اینکه بدیگران انحصار ندهند. رفیع - ماده شش میگوید: قطع اشجار غیر صنعتی برای احتیاجات داخله در جنگلهای اربانی محتاج با اجازه مخصوص نبوده اما (یک اما دارد) اما قبلاً صاحب آنها باید مراتب را وزارت فوائد عامه اطلاع دهد.

اگر صاحبان جنگلهای اربانی بطوری جنگلهای خود را قطع نمایند که باعث از بین رفتن جنگل شود یا قبلاً مراتب را اطلاع نداده باشند جریمه خواهند شد. قیمت در یافت خواهد شد - خلاصه در موقعی که همین آقای داور وزیر فوائد عامه بودند بنده مذاکره کردم تصویبنامه دیگری صادر شد که سه ماه مهلت داده شد در موقعی که آقای مخبر السلطنه در این کابینه که تشکیل شد بودند با ایشان مذاکره کردیم که آقا این خلاف قانون اساسی است. اصل هفدهم قانون اساسی اساساً حق میدهد بدولت که در املاک مردم بتواند دخالت کند

قانون بالاخره حکومت دارد. تا ما این دو نابلو از دو طرف مجلس گذاشته ایم و مقسم ما قرآن است در این مجلس ما نمیتوانیم بر خلاف قرآن رفتار کنیم و بالاخره این تصویب نامه در موقع عمل معایب زیاد دارد. افراد مرده را زحمت انداخته و بارسان گذشته در دهات آنجا در بیسلاق بازده طفل زیر باران و آفتاب مردند برای اینکه میخواست اشجار خودش را ببرد و سایه بان درست کند. مورد جنگل نمیکذاشت. یک عریضه بنده بوزارت فوائد عامه عرض کرده ام (اینها را مقدمه عرض میکنم برای اینکه بدانید گرفتاری که چه اندازه است که مجبور شده این را تقدیم کنم) نوشتم بوزارت فوائد عامه: چون تصویب نامه صادره در کابینه اسبق راجع به جنگل‌های شمال اسباب زحمت از اینها و بملاحظه اینکه صریحاً بر خلاف ماده ۱۷ قانون اساسی است الغاء آنرا جداً خواستارم برای مزید اطلاعات آن وزارتخانه عرض می‌رسانم که صفحه گیلان و مازندران بر خلاف عراق است کلیه قراء و بلوکات برای خرابه است که عموماً مشجر و یک اصله درخت صنعتی در میان آنها وجود ندارد. در این خرابه ها درخت‌های خود رو از قبیل نوسه، راش، ارنا، پلظ و لیک و غیره است. ساختن خانه‌های رعیتی از پایه و دیوار اطراف با چوب ساخته میشود بعد بنی خلمخالی می آید و گل میزنند. رعیت در همچو جائی سکنا میکند. اگر در املاک آبادی خرابه نداشته باشد آن املاک لم بزرع می ماند تمام سوخت و خانه سازی و تلمبار برای ابریشم و کاندوج و کروج و بزچین باید از همین درختهای غیر صنعتی ساخته شود. علاوه خانه های شهر باید با همین گونه چوبها ساخته شود از کس به ده میرود و چوبهای مخصوص اره کشی میکند و بشهر می آورد و میفروشند که با این قدغن دولت من غیر مستقیم یک کمکی بچوبهای خارجه میشود مردم برای حوائج خود چوبهای خارجی را خریداری میکنند. دولت در این املاک یک جریب ملک

ندارد و اما درختهای صنعتی در جنگل وجود ندارد این درخت مخصوص باغات و خیابانها است درخت مازو و شمشاد در جنگل های معین است که مالک خصوصی دارد درختهای صنعتی در دامنه کوههای خاکی بعمل میآید. این هم یک رشته معین است. از اقل بر و سیاه رود اشکک، امزاده هاشم و گل برک، دره پشت، دهنه سیاه کلانوندان، نخل بیوندان، لاکان، اسکده، نارنج گل، چتلان، اسکده سالکی، سار، سیلکرا، میرسد به طالش. این دهات تمام مالکین یکصد ساله و دویست ساله دارد. مازو و شمشاد دارد. وقتی یک درخت مازو را قطع می کنند بواسطه رضویت هو هر یک بوته ده شاخه. کمتر از پنچ شاخه نمیزند. مصرف چوبهای شهر همین است که اشتر میگوئیم. رویار خال که نزدیکتر است از همین جنس است. این صحبت جنگل یعنی جز خرج بزی دولت و ملت چیزی نیست. مردم از داخله به خارجه جنس حمل میکنند که پول وارد کنند. حالا میل ندارید به خارجه بفرستید بخرید. دیگر ممانعت مردم در تصرف املاک خود چه صورت دارد؟ خواهشمندم تصویب نامه صادر شود که تصویبنامه گذشته را لغو و قطع اشجار غیر صنعتی را مجاز و اشجار صنعتی را اگر میل دارید یک قدغن بکنید. هر چه ما در این دو سه ساله گفتیم ابداد داد مان به جائی نرسید بالاخره در چندی قبل یک تصویب نامه صادر میشود که آن تصویب نامه نمره فلان را دو ماه مهلت می دهد ولی اصل موضوع از بین نبرود. بنده گرفتارم بیچاره شدم. خودم میدانم تصویب نامه قانونیت ندارد اما من گرفتارم. مردم گیلان و مازندران گرفتارند. یک صفحه از نقاط آذربایجان گرفتارند. بالاخره استرآباد گرفتار است. به این جهت بالاخره مجبور شدم به امضای قریب هفتاد و هفت هشت نفر از آقایان محترم (باقی را زیارت ندرم گمان میکنم همه آقایان موافقت فرمایند) ماده واحده برای تقدیم مجلس شورای ملی بقید دو فوریت

تقدیم نمایم. به دودفعه بلند شدن و نشستن چندین میلیون نفوس گیلانی و مازندرانی را مخلص خودین بکنید.

رئیس - این ماده قرائت میشود ولی اگر آقای حاج آقا رضا رفیع قبول فرمایند رأی را بگذاریم برای بعد از تنفس.

(ماده واحده شرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده - دولت مکلف است که بوزارت عالیہ دستور دهد که تصویب نامه نمرد ۱۳۵۴۵ در باب جنگل ها کاتب بلدن میباشد و ترتیب اثر بر آن غیر مجاز است

رئیس - پیشنهادی راجع به دستور شده است قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم لایحه ورزش اجباری مقدم بر دستور بوده و لایحه پست و تلگراف در درجه دوم دستور واقع شود. روحی

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم لایحه پست و تلگراف چندین جلسه وقت مجلس را گرفته و بنده میدانم امروز هم بالاخره نخواهد گذشت. این لایحه ورزش اجباری يك چیزی است که کار مالی ندارد که بخواهیم عالیان برش به بندیم با عابدانی را تصویب کنیم، و برای تربیت نسل آتیه است عقیده دارم که این لایحه را چون آقای وزیر معارف هم تشریف دارند آقایان موافقت کنند مقدم بر دستور باشد که لا اقل در ظرف این چند روز يك کاری هم کرده باشیم

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرضی ندارم.

رئیس - پیشنهاد آقای روحی مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر)

رئیس - خبر کمسیون معارف راجع به ورزش

اجباری مطرح است طبع و توزیع هم شده است در کلیات مخالفی دارد یا نه؟ آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - چون در اصل مسئله نمیتوانم مخالفت کنم بعلمت اینکه ورزش يك چیزی است اساسی و چه در شور در کلیات برای توجه دادن آقای وزیر معارف را به يك ترتیبات عریضی بکنم. حالا بنده کار به مدارس جاهای دیگر ندارم راجع به مدارس طهران آقا را متوجه میدارم. اینکه اداره تفتیش مفصلی دارند (یعنی از ایشون نیست از سابق است) ولی بنده خودم اولاد دارم همه آقایی هم اولاد دارند. با اینکه این لایحه آمده است برای ورزش به عنوان حفظ صحت در مدارس که اینجا هست بنده میدانم اینجا يك جائی بوده است که زور خانه بوده است و گنبد دارد مفتش هم می رود میبیند آنوقت ورزش میخواهند بکنند که غذایشان تحلیل برود ولی بنده این يك چیزی است که دیده ام چون نظر آقای وزیر معارف در این لایحه عنوان حفظ الصحه است بنده عرض میکنم که حفظ الصحه مرتبه اولش با کیزه گی محل و مسکن اطفال است. خودست يك توجیهی بنام امور اشود و الا بنده با ورزش که بهترین چیزها برای حرکت دادن يك ملت از خواب گران است که ساها خواب بوده مخالفتی ندارم. بلکه البته باید ورزش بکنند که بدیشان سالم بشود بعد خدا کند که کله شان هم ورزش بیاید که نوزیر بار این طلسم ها بیرون بیایند.

وزیر معارف - محل مدارس جدید که در طهران هست و همچنین در سایر نقاط ایران چون دولتی نیست اجازه ایست این است که غالب منازل مناسب با مدرسه بودن نیست. راجع باین مدرسه که آقا اظهار کردند بنده خبر رسیده بود و همچنین بعضی مدارس دیگر هست که اصولا اطاقهای مرطوب و غیر متناسب است و بنده سپرده ام منزلهای بهتری تهیه و اجازه کنند تا اینکه در این قسمت بطور موقت رفع نگرانی بشود ولی در موقعی میشود مطمئن شد و محل مدرسه متناسب با مدرسه

و حفظ الصحه باشد که از طرف دولت ساخته شود و آن را هم امیدوارم در آتیه وجهائی تهیه شود و این نظریه را تأمین نماید.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - اینجا يك کلمه هست که مینویسد دولت مجاز است ...

رئیس - راجع بکلیات است؟

کازرونی - بله راجع کلیات عرض میکنم خوبست در اینجا نوشته شود دولت مکلف است نه (مجاز) بواسطه اینکه بنده مدترسم (امروز نمیگویم) فرد بواسطه تفراتی از این که (مجاز) سوء استفاده هائی راجع بولایات بیچاره بشود یعنی يك ترتیباتی روی کار بیاید که در این مسئله هم اهالی ولایات محروم نمائند و باین قسمت اختصاص داده شود

بمرکز بکنند خواهیم در ضمن اینکه تحت عنوان مخالفت قیام کرده ام و عریضی میکنم يك تذاری بدهم و استدعا کنم که شاید يك توجه بیشتری بولایات مخصوصاً ولایات دور دست بشود و در این مسئله بخصوص منتظرم که ابتدا از طرف وزیر محترم معارف بشود که به تقاضی که از مرکز دورترند اقلاً در این قسمتی که آقای وزیر معارف میخواهند بذل توجهی بکنند ابتدا بردمانی که از همه چیز محرومند يك فایده رسیده باشد.

رئیس - آقایانی که راجع بمواد اظهاراتی دارند در موقعی که ماده قرائت میشود فرمایند. آقای دادگر

دادگر - موافقم

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با هر چیزی که برای حفظ الصحه

لازم باشد موافقم و عقیده دارم که صحت اطفال را باید حفظ کرد که مریض نشوند و بتوانند مشغول تحصیلات باشند ولی حیث که در این مملکت بواسطه شیوع سفلیس و سایر امراض در اثر آزادی که داده اند موفق نمیشویم به حفظ الصحه و در بین ورزش اجباری هم گمان میکنم مطابق قانون اسلام بتوان تمام افراد را مجبور کرد برای اینکه بسیاری از اطفال هستند که مزاجشان سالم و صحیح است و محتاج ورزش نیستند و اینها را میخواهند مطابق قانون مجبور کنند ورزش کنند بنده مخالف از این راه است و اشخصی که محتاج نباشند جبرش به قانون سلام موافقت نمیکند

دکتر ظهیری (مخبر کمسیون معارف) - این لایحه از لایحی است که بنده تصور میکنم هیچکس در کلیاتش مخالف باشد و اگر چه يك لایحه خیلی ساده و مختصری است ولی عقیده بنده یکی از قدم های اساسی و محکم است که برای جامعه برداشته شده. بن حرف از قضایای مسامحه است که عقیدت سالم در بدن سالم است و اگر چنانچه تقویت روحی بدون رعایت تقویت جسمی باشد موجب انحطاط جسم و ضعیف شدن و بروز امراض میشود و شخصی که علیل و مریض میشود قبل استفاده نیست. تربیت باید هم جسمی باشد و هم روحی و اما فرمایش آقای فیروز آبادی تصور میکنم هیچ در اینجا موقع نداشته باشد زیرا بحسب احکام و احادیث حفظ بدن و حفظ الصحه از دستورات دینی ما است و اینکه ورزش را اجباری میکنند برای وسائل حفظ الصحه است. اگر کسی مریض باشد و ورزش مخالف آن مرض باشد البته به طبیب مراجعه میکنند و آن شخص ورزش نمیکند یا ورزشی میکند که موافقت با آن مرض داشته باشد و اما اینکه فرمودند اشخاص سالم نباید ورزش کنند این برعکس است باید ورزش بکنند که صحت بدیشان محفوظ بماند. اگر مراجعه کنید به متعلمین مدارس می بینید که اینها بیشتر اوقاتشان را باید صرف مراجعه به طبیب بکنند زیرا تمامشان مریض

و علیل هستند برای این که قوه دماغی را بکار میرند در صورتیکه هیچ رعایت حفظ قوه بدنشان را نمیکند و تعادل قوه روحی و جسمی شان بهم میخورد و همیشه ضعیف و لاغر و مریض هستند و بیستی به طبیب مراجعه کنند و در هر صورت یکی از اولاخ بسیار مهم و مفیدی که مملکت را بیک آتیه خوبی سوق میدهد و اشخاص قوی افکار تولید میکنند این لایحه است.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کفایت

افسر - بنده مخالفم با کفایت مذاکرات

رئیس - بفرمائید

افسر - چون آقای فیروزآبادی فرمودند این مسئله مخالف شرع است و جواب رسمی ایشان داده نشد بنده خواستم مخصوصاً عرض کنم که در این جا نوشته شده است در مدارس و ورزش اجباری است اطفالی که مدرسه نمی آیند مجبور نیستند ولی وقتی که مدرسه آمدند میگویند مدرسه ما ترتیبش این است و یکی از مود پروگرامش ورزش است و چون این قسمت جواب داده نشد باین جهت بنده کافی نمیدانم.

رئیس - حالا که جواب دادید کافی است؟

جمعی از نمایندگان - کافی است

رئیس - ممکن است رأی را گذاشت برای بعد از

تنفس

جمعی از نمایندگان - صحیح است

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

وزیر داخله - آقای رهنما بسمت معاونت وزارت داخله به مجلس شورای ملی معرفی میباشم.

رئیس - پیشنهادی که آقای حاج آقا رفیع داد بودند و بنامش بعد از تنفس رأی بگیرم اصلاح شده قرائت

میشود بعد مذاکره میکنیم و رأی میگیریم.

(ماده واحده بشرح ذیل قرائت شد)

ماده واحده را ترتیب ذیل پیشنهاد و اصلاح میکنم ماده واحده - چون راجع بجنکد ها از طرف مجلس قانونی وضع نشده علیهذا بموجب این ماده واحده بدولت ابلاغ میشود. دولت مکلف است هر امری که راجع به جنکد ها صادر شده موقوف الاجرا و کان لم یکن دانسته و لایحه قانونی را در این باب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

رئیس - آقای تقی زاده

حاج آقا رضا (رفیع) - اجازه میفرمائید؟

رئیس - میخواهد توضیح بدهید بفرمائید

حاج آقا رضا (رفیع) - عرض کنم این مسلم است که با دولت مجلس شورای ملی هیچ محلی صلاحیت برای وضع قانون ندارد و اگر چنانچه مجلس شورای ملی رأی بدهد به اینکه نام اشجار مال دولت است بنده از طرف گیلان عرض میکنم که بر ما محترم است و هر امری بشود مطاع است و بنده عرض میکنم این لایحه باید بیداد بمجلس شورای ملی و هر طور مجلس برای صلاحیت مردم تصویب کرد همه شان مطیع خواهند بود و عجالتاً برای اینکه مردم گرفتارند این تذکر باین ترتیب داده شود که این تصویبنامه قانونیت ندارد از این جهت بنده این شرح را عرض کردم.

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده فعلاً در اصل مطلب عرضی ندارم ولی با فوریتش مخالفم. این مسئله باید مسلم شود گاهی دیده میشود که يك چیزی میآید اینجا و آقایانیکه با خود مطلب موافقند در فوریتش هم قیام میکنند و آنهایکه با خود مسئله مخالفند قیام میکنند این مسئله نباید اختلاف داشته باشد. بسا هست که ما با خود مسئله موافقیم ولی با فوریتش مخالفیم. بعقیده بنده آوردن يك لایحه با دو فوریت که درست نمیدانیم و سابقاً هم جزو دستور نبوده و تصویب نامه سابق را هم مطالعه نکرده ایم

و نمیدانیم چیست صحیح نیست و این را هم که يك دفعه خواندند و درست نمیدانیم و کلیه بطور دو فوریت يك لایحه را در مجلس آوردن و اینرا کم کم ادامه و سابقه دادن مخالف مصالح مملکت است (بعضی از نمایندگان - صحیح است) حالا اگر مطلب صحیح است هر قدر هم درش مطالعه و صحبت بشود باز صحبتش روشن میشود و هم انطور که فرمودند چون تصویب نامه مورد نداشته شاید محتاج به الغاء نباشد ولی الان میخواهیم بموجب يك قانونی الغاء کنیم یعنی قانونی از مجلس بگذرانیم بدون هیچ نوع مطالعه بدون اینکه وقت هیچ نوع بحثی در او باشد بعضی آقایان اگر مانفت هستند بنده شخصاً مانفت ندارم. تصویب نامه سابق را هم ندیده ام این مطلب را هم سابقه و لاحقش را اطلاع ندارم و گمان می کنم مطلب هر قدر درش مباحثه شود روشن میشود و اگر ما بعضی اوقات مطلبی را با کمال سرعت بگذرانیم شاید حمل بر این شود که يك اشتباه کاری است و میخواهند زود بگذرد. در صورتیکه اینطور نیست. علاوه بر این هر قانونی که از مجلس گذرانده میشود بنظر خود مجلس تنها نباید باشد دولت هم باید نظر خودش را بگوید و بعد البته نظر مجلس قاطع است ولی بدون اینکه فرصت بدهیم بدولت که نظریه خودش را بگوید با مطلع شود با خودمان هم مطلع شویم بنده عقیده ندارم بنده برای مطالب خیلی حق هم که کاملاً حق باشد با دو فوریتش مخالفم مگر در موارد بسیار مستثنی و نادر که مسائل ضروری باشد و در فوریت این کار هم مصالحی نیست و این نوع سوابق را گذاشتن صلاح مملکت نیست.

رئیس - برای اطلاع آقایان عرض میکنم مذاکرات که میشود راجع با فوریت قسم اول و يك شوروی است بعد راجع با فوریت قسم دوم مذاکره خواهیم کرد.

آقای باستانی

باستانی - برای تذکر آقای تقی زاده عرض میکنم در

قانون مجازات دو ماده قید شده است که هر گاه دولت تصویب نامه بر خلاف قوانین مصوبه مجلس شورای ملی صادر بکند و بموقع اجرا بگذارد آن دولت و آن وزیری که تصویب نامه صادر کرده مسئول است و باید مجازات شود پس البته اگر يك تصویب نامه بر خلاف قوانین موضوعه صادر شده باشد هیچ اعتبار ندارد و صادر کننده اش مسئول است راجع به جنکد ها - قانونی از مجلس نگذشته است تصویب نامه هم که صادر شده قبل از وضع قانون مجازات بوده و قانون مجازات شامل این گونه تصویب نامه هائی که قبل از تصویب خود قانون بوده نمیشود. این طرحی که تقدیم مجلس شده راجع باین است که دولت هیچ تصمیمی راجع بجنکد ها (مخصوصاً در آن قسمت هائی که مربوط به ملک جنکد است چه از نظر عمومی که دولت باید در نظر بگیرد و چه از نقطه نظر ملکات شخصی و همین طور جنسکتهائی که مجبور املاک شخص است) نباید بگیرد یعنی در موقعی که قانونی از مجلس نگذشته است قدامی نباید بکند بلکه باید قانونی را که در نظر گرفته است لایحه اش را بیورد به مجلس و هر طوری مجلس تصویب کرد بموقع اجرا بگذارد و بدون اینکه قانونی از مجلس بگذرد دولت حق ندارد. چرا برای این که این فورمولی که اخیراً بر خلاف قوانین شرعیه و عرفیه وزارت مالیه اتخاذ کرده باید منسوخ شود و آن این است که تصرف را که اماره مالکیت است مالیه میخواهد ملغی کند. در املاک خلاصه هم همین رویه را اعمال میکند. ملک مردم را تصرف میکند. بعد میگوید برو سند بیور. يك ملک صد ساله که متعلق ب مردم است بعنوان این که در طومار نادری فلان وقت فلان پادشاه آن املاک را بر داشته خلاصه کرده است با دولتهای گذشته روی وقایع اصلی آن روز يك املاکی را ضبط و صادره کرده اند حالا يك چیز هائی توی دفاتر مالیه پیدا میکند و آن را املاک و مدرک مالکیت دولت قرار میدهد.

این اصولی است که شرعاً و عرفاً غلط است هم راجع بخاصجات و هم راجع بجنسکل ها و بالاخره يك جنكل هائی در مازندران و استرآباد و گیلان هست که مجبور املاك شخص مرده است و اصلاً املاك مزروعی آنها عبارت است از يك اراضی که ابتدا جنكل بوده بعد اشجارش را انداخته و سوزانده اند و حالا قابل زراعت است و ملکشان است. حالا دولت میگوید سند بیاورید و ثبت کنید که این ملک شماست در صورتی که دولت مدعی است که جنبه عمومی و خالصی دارد او باید ثابت کند ولی در وزارت مالیه این قضیه مکتوب شده است و این اصل غلط را نباید مجلس تصدیق کند باین جهت ما این طرح را تقدیم کردیم و این مسئله هم چیز مهمی نیست که آقای تقی زاده بخواهند مطالعات زیادی درش بکنند. مطلب این است: ماد میگوید قانونی جمع بجنکلهای از مجلس نگذشته است هر اقدامی دولت بکند و هر تصمیمی که بگیرد قابل اعتنا و اعتبار نیست.

- رئیس -- آقای آسید یعقوب موافقتند؟
- آقا سید یعقوب -- بله
- بعضی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است
- رئیس -- آقای روحی
- روحی -- موافقم
- رئیس -- آقای فرمند
- فرمند -- موافقم
- رئیس -- آقای افسر
- افسر -- مخالفم
- رئیس -- آقای دادگر
- دادگر -- موافقم
- رئیس -- آقای عراقی
- عراقی -- موافقم
- رئیس -- آقای مدرس

مدرس -- بنده گذشته از اینکه با فوریت مخالفم با اصلش هم مخالفم بجهت اینکه دولت می نشیند و بر خلاف قانون تصویب نامه صادر میکند آنوقت ما باید هر روز بنشینیم ماده واحده تصویب کنیم که دولت خلاف قانون نکند. البته دولت نباید بر خلاف قانون قدمی بردارد. دولت غیر از اجرای قوانینی که مجلس شورای ملی تصویب کرده هیچ کار و وظیفه ندارد هر کاری غیر از این بلند بر خلاف وظیفه کرده است و اساساً چون معمول بوده يك کار هائی دولت میکرده و بنده موافقم یا نظر آقای تقی زاده که این مسئله را فوریت نگذرانند و در اصل موضوع ما باید فکر کنیم که چه باید بکنیم. این دولتهای ما که بیخود می نشینند دور هم و يك چیزی با همش را میگذارند تصویب نامه و عمل می کنند باید این را علاج کرد. اگر بان ماده که فرمودند در قانون مجازات است علاج میشود فبها اگر آن علاج نمی شود باید يك فکر دیگری کرد بجهت اینکه تا بوده ما همی می شویم (تصویب نامه) هر چه هم نوي قانون اساسی و قوانین موضوعه میگردیم يك ماده برای این کار نیست. لهذا خوب است در اصل مسئله وارد شویم و به بینیم که باید چکار کرد.

- رئیس -- آقای زعیم پیشنهادی کرده اند
- (بضمون ذیل خوانده شد)
- بنده پیشنهاد میکنم طرح قانونی تقدیمی آقای رفیع از دستور امروز خارج بشود و مذاکره در مورد آن آن بدسه شنبه آتی به محول گردد.
- رئیس -- بفرمائید
- زعیم -- بنده در موقع تنفس هم خدمت آقای رفیع عرض کردم که مجلس کارش عبارت از وضع قانون است اگر بنا شود ما هر روز برای يك تصویبنامه غلطی که صادر میشود يك قانونی وضع کنیم که لغو شود این اصلاً از حیثیت مجلس خارج است و از عظمت

مجلس میگذرد. ایشان اظهار مینمودند که این تصویب نامه يك مضيقه و ابتلائی برای اهالی آن حدود تهیه کرده که مکرر در مکرر سه وزارتخانه مربوطه تذکر داده اند و عتسافه رفیع این محظور است نشده است و حالا بهترین راه حلی که من دیدم برای رفع این فشار و زحمت آن است که يك همچو تصویب نامه از مجلس برای لغاء آن صادر شود. بنده تصدیق دارم که بن قضیه يك ابتلائی تولید کرده ولی این را هم آقایی تصدیق میفرمایند که مجلس نمیتواند هر روز برای يك عملی که در يك وزارتخانه بر خلاف قانون اساسی و قوانین موضوعه پیش می آید يك نوع قانون جدیدی وضع کند که این کار نباید بشود. اصلاً آنها نباید بلند و بنده می بینم که بن طرح را هشتماد نفر از آقایی امضاء کرده اند. دولت اگر دولت بن مجلس است باید قشبه شود و يك چیزی را که هفتاد هشتماد نفر وکیل بان نظر دارد اهمیت بدهد این بود که بنده جمع ما بین این دو منظور را در نظر گرفتم یکی اینکه این کار مجلس نیست و از عظمت مجلس دور است و یکی اینکه میفرمایند این مسئله مبتلا به مردم است بنا بر این بنده پیشنهاد کرده که تا روز سه شنبه مهلت بدهند و اگر وزراء رفیقند و رفع این زحمت را که تکلیف آنها است کردند که مقصود حاصل است و اگر نه در اساس باید فکری بکنیم و الا هر روز يك چیزی که از وظیفه مجلس دور است با قید دو فوریت مطرح بکنیم بنده مخالفم و صلاح مجلس را نمیدانم

- رئیس -- آقای باستانی
- باستانی -- بنده قضیه را این قدرها مهم نمیدانم که یکمرتبه جزو دستور بشود و بعد پیشنهاد بشود از دستور خارج شود و در جلسه دیگر وارد شویم. بنده عقیده ام این است تصویب نامه هائی که دولت ها صادر کرده اند از چند صورت خارج نیست يك تصویب نامه هائی است که

قبل از قانون مجازات صادر کرده اند که آنها را نمیشود بر خلاف قانون نقلی کرد برای بنده قانون مجازات متوجه يك تصویبنامه هائی میشود که بعد از قانون مجازات صادر کرده باشند و البته آنها مشمول قانون مجازات است و لااگر قانونی نبوده و آنموضوع تصویب مجلس نرسیده آن تصویب نامه ها در حاکم يك عملی که قانونیت ندارد نقلی میشود و اشکالی هم نیست در هر حال ما میخوانیم در این جا بموجب يك طرحی بدوات میبدهیم که اقداماتش را راجع به جنكل عوقوف کنند قانونش از مجلس بگذرد. چیز مهمی هم نیست. تصویب نامه را هم میخوانیم لغو کنیم که میفرمایند مطابق و مناسب با عظمت مجلس نیست بدوات حاضر میگوئیم اگر بدوات هائی پیش آمده بنده راجع به جنكل صادر کرده اند نباید مجری شود تا قانونش به مجلس بیاید.

- زعیم -- همین اندازه کفایت میکند.
- رئیس -- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای زعیم آقایی که تصویب میکنند قیام فرمایند
- (عده قلیلی قیام نمودند)
- رئیس -- تصویب نشد. آقای آقا سید یعقوب
- آقا سید یعقوب -- بنده کم کم نمیدانم چه واقع می شود! مثلاً آقای تقی زاده می فرمایند کار فوری نیست! چه طور فوری نیست؟! دوسال است اهالی مازندران گیلان و استرآباد و حتی در طرف شیراز و ساوجبلاغ مردم در فشار مأمورین مالیه هستند و دارند آتش میگیرند این مردم بد بختی که ما را فرستاده اند اینجا نحت فشارند. میگوئید فوریت ندارد؟! دو سال است خانه شان آباد نشده است. چرا؟! برای اینکه مأمور مالیه نمی گذارد. من تعجب میکنم جانی که صدای این بد بخت ها و ندای ملت بلند است. در کدسیون عرایض نگاه کنید هر کس که مطلع باشد میداند که بر سر طائش و گالش چه می آید! ما

نسبت بجنکلیها بهمان سیره مستمره که تا دو سال قبل عمل میکرد بهمان حالت باقی باشد تا لایحه در این باب بمجلس بیورده این کجاایش ضرر دارد آقایانیکه رب السوع ملت هستید!

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

زعیم - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم

رئیس - بفرمائید

زعیم - اینجا يك مسئله اصولی است که آیا مجلس طرز قانون گذاریش ممکن است این طور باشد؟

یک نفر از نمایندگان - بله

زعیم - شما میگوئید که ما میخواهیم این سیره کد سابق بوده حفظ شود. شما را بخدا این طرح قانونی است؟

رئیس - آقایان، دفاعات مذاکرات صحبت بفرمائید

زعیم - بنده عرض را میکنم. این لازم است که معلوم شود این وظیفه ما هست یا نه اصلاً این را بنده دون مقام مجلس میدانم و استدعا میکنم بگذارند همینطوری که در فوریتش صحبت میکنم به بنیم صلاح مجلس هست یا نه؟

رئیس - آقای زوار

زوار - اینکه نماینده محترم استدعا کردند بماند برای دستور جلسه آتی بنده هم از ایشان استدعا میکنم موافقت کنند که این لایحه حیاتی امروز از مجلس نگذرد و بطوریکه اشاره شد علاقه مند هستیم که یکی از طرح هائی که برای رفاهیت عامه است همین لایحه است.

رئیس - آقا راجع بدفایات مذاکرات بفرمائید

زوار - ازین نقطه نظر بنده موافقم با کافی بودن

مذاکرات و استدعا میکنم پس بگیرند

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایان که

تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر قیام کردند)

رئیس - اکثریت است. رأی میگیریم بفوریت قسم اول یعنی يك شوری آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. فوریت قسم دوم مطرح است.

وزیر معارف - اجازه می فرمائید؟ این تصویب نامه که محل نظر و توجه نمایندگان محترم است در چندین سال قبل از طرف یکی از کابینه ها صادر شده و بنده هم تصدیق می کنم که این تصویب نامه يك شکلات و احمات برای يك عده زبیدی از مرده تولید کرده و فقط بنده در این جا می خواهم خاطر آقایان نمایندگان شریزه را يك نکته جالب کنم که آن نکته بعقیده بنده اساسی و يك صلی است خواهتم قبلاً عرض کنم ولی چون خودم هم يك قسمت از تصویب نامه مخالفم. آقایان موافق بوده عرض نکردم ولی حالا عرض می کنم: این رأی که آقایان میدهند يك سابقه بسیار بدی ایجاد خواهد کرد و آن این است که زری این امر به خصوص و برای این تصویب نامه خاص مجلس رأی میدهد که این تصمیم کان لم یکن است. بنا بر این هر دراتی ممکن است نسبت به امری که قانون ندارد تصمیمان بگیرد و تصویب نامه صادر بکند و بگوید این دارای قوت قدن است و تا موقعیکه مجلس شورایی می يك ماده قانونی نگذرانده است این تصمیم برقرار است. این يك نکته اساسی است. بنده در عین اینکه عضو دولت هستم نمیتوانم از این حق مشروع ملی مجلس شورای ملی صرف نظر کنم

جمعی از نمایندگان - صحیح است

وزیر معارف - بنا بر این فوریت اولش رأی داده

شد خواست آقایان موافقت بفرمایند که برود به يك

کمیسیون (حالا با یکی از کمیسیونهای معمولی و عادی

باشد یا کمیسیون خاصی) و بعد هم دولت نماینده اش بپیدا آنجا آن نظامنامه را هم بیورند و همانطوری که آقای مدرس و بعضی از آقایان دیگر اظهار کردند يك ترتیبی بین کار داده شود بنده باصراحه عرض میکنم که این سابقه خوبی نیست.

رئیس - آقای ددگر

ددگر - عرض کنم گرچه مضمون این ماده واحده طوری تنظیم شده که این تکراری که آقای وزیر معارف فرمودند از آن حاصل نمیشود ولی همانطوری که آقای تقی زاده و آقای مدرس هم فرمودند در يك قضیه هر قدر هم صحیح باشد اگر بیشتر درش دقت و مباحثه شود بهتر است. بنده هم بسهم خودم قبول میکنم که برود به يك کمیسیون.

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده خواستم عرض کنم از صحبت بنده که کردند احساس میکنم که شاید فوریت بی تصویب نشود ولی خواستم چند کلمه عرض کنم آقایان که بعد از بنده حرف زدند توجه فرمودند که من با فوریتش مخالف بوده و شرح مفصلي راجع به این مطلب گفتم و حتی عرض کرده که شاید راجع بحال مطلب موافقم یکی از آقایان آقای آقا سید یعقوب میفرمودند چکار فوری تر از این است. ایشان فوری را بمعنی لغوی می گرفتند یعنی باید زود بگذرد در صورتیکه این اصطلاح قانونی است برای اینکه دوشور نشود و بکمیسیون زود بله کار را خیلی باید بچینه کرد و در نزدیکترین زمانی هم گذراند بنده مخالف نبوده ولی اگر بموقع می آمد بعد از دقت کامل البته موافق بودم. فرمودند که همه میدانند حالا اگر همه میدانند بنده که بکنفر هستم نمی دانم مخالفت میکنم پس از اینکه فوریت هم مطرح میشود آقایان رأی بکفایت مذاکرات میدهند و معلوم میشود که خود فوریت هم فوری است و نمیگذارند راجع به آن حرف زده شود و مباحثه بعمل آید بنا بر این بنده با فوریت دوم هم مخالفم. و مقصودم

ما وراء طهران را نگاه نمی کنیم! نظرمات بخوابت لاله زار است و نگاه نمیکنیم که به بینیم این مرده زیر چه شکنجه هائی هستند!! هیچ مسئله وامری فوری تر از این مسئله نیست. مسئله دیگری فرمودند که بنده کان میکنم که ملاحظه بحق مجلس است. وضع قانون است و کم این حق هم از مجلس گرفته میشود. دولت چه میشود سر با يك لایحه قانونی میآورد در تحت دو فوریت ما رأی میدهم و نمیدانیم چه میشود ولی این جا که دو گروه سه گروه مرده تحت فشار هستند میگویند بفوریتش نباید رأی بدهیم! من حقیقتش این مسئله را که آقای مدرس و آقای تقی زاده فرمودند نفهمیدم.

مدرس - خلاف قانون است.

زعیم - کار ما نیست

آقا سید یعقوب - عرض میکنم. بنده می نشینم میگویم خلاف قانون است. لعنت خدا بر کسی که خلاف قانون بکند لعنتش هم میکنم. بعد از نماز صبح تسبیح هم دست میگیرم لعنتش میکنم و میگویم هر کس خلاف قانون رفتار بکند خدا لعنتش بکند فایده ندارد باز هم خلاف قانون میکند. ما توب و توبخانه نداریم. سؤال و استیضاح هم نداریم يك مسئله قانونی آقای باستانی و سایر رفقایان پیشنهاد کرده اند که بنده هم موافقم بهمان سیره و سیره. (سیره جاریه یکی از چیز هائی است که از لغات و اصطلاحات مستخدمین است) باقی باشد لایحه اش را بیاورند و هیچ عملی در این باب نکنند همینطور مثل عمل قبل از مشروطیت بهمان سیره جاریه باشد تا اینکه قانونی بیاید این هیچ عیبی ندارد و پیشنهاد صحیحی است مطابق سابقه و با اصطلاح ما فقها مطابق با سیره مستمره است و هیچ ضرری ندارد ما که در مجلس نشسته ایم غیر از این چاره نداریم و باید حافظ و ناظر قانون باشیم و در جائیکه به بینیم خلاف قانون است و عنوان سؤال و استیضاح مؤثر نیست تا چاریم بعنوان طرح قانونی با ماده واحده بگوئیم دولت مکلف است

رفع اشتباه بود. و دولت که جنکلیها را میبرد و فلان میکند همه اش در جای خودش مسلم است بنده هم يك کلمه بر خلاف این نگفتم. بنده گفتم مصلحت منکبت مقتضی این است که بکفوری تأمل و حلاجی در کار بشود که همه من بفهمیم و همان رأی که آقایان میدهند همه بدهیم.

آقا سید یعقوب - بنده مخالفم

رئیس - راجع بکتابت مذاکرات بفرمائید

آقا سید یعقوب - اینجا دو دلیل ذکر کردند و بنده هم جواب آقای تدین را میدهم که با آن زیر دستی که داشتند يك منطقی بیاف کردند که اگر موقع رسید جوابشان را عرض میکنم که خود شن هم کاملاً تصدیق بفرمایند و هم جواب آقای تقی زاده را عرض میکنم. بنده پنجاه سالم است و کاملاً میفهمم چهار دوره هم در مجلس بوده ام و سنم هم زیاد است آقای تقی زاده میفرمایند که بنده کلمه فوری را نمیفهمم خیر آقا بنده معنایش را میفهمم. اما در این مسئله که آقای تدین فرمودند و آقای دادگر که باید با من موافقت کنند کاملاً با آقای تدین موافقت کردند عرض میکنم که جواب اینها داده نشده از این جهت بنده میخواستم بگویم مذاکرات کافی نیست تا اینکه مخالف با این فرمایش آقای تدین هم صحبت نکند آنوقت کافی بشود چون جواب ایشان داده نشد.

رئیس - آقایانیکه مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. آقای ارباب کیخسرو

ارباب کیخسرو - بنده تصور میکنم بقدر لازم در این باب حرف زده شده است این جا همان قسم که گفته شد هیچکس موافق نیست که دولت تصویبنامه بر خلاف قانون صادر بکند و بمال مردم تعدی و دست

درازی بشود ولی موضوع این است که بصورتی باین مسئله داده شود و سابقه نشود و يك عمل مخالف قانونی هم نباشد از این جهت بنده موافقم تا شخصی که گفتند بماند و برود به يك کمیسیون تا اینکه نظریات بهتری اتخاذ شود.

زعیم - بنده اخطار نظامنامه دارم

رئیس - بفرمائید

زعیم - آقای دادگر در ضمن بیاناتشان اظهار فرمودند ما که اهتاء کنند پیشنهاد هستیم فوریت ثانوی را مسترد میداریم.

بکنفر از نمایندگان - خودشان ر گفتند.

زعیم - بنده این طور فهمیدم که ایشان در ضمن اظهارشان فرمودند که ما پیشنهاد دهندگان فوریت دوم را مسترد میداریم و موافقت میکنیم با فوریت اول در این صورت بنده گمان میکنم پیشنهاد جدیدی نشود برای فوریت ثانی دیگر مذاکره در این باب مورد ندارد

رئیس - ایشان اهتای خودشان را مسترد کردند

آقای عراقی

عراقی - عرض میکنم دوسه قسمت در این طرح پیشنهادی صحبت شد و گمان میکنم که مجلس با يك حالت علاقه مندی به دو فوریتش هم رأی بدهد. بکفتمش این است که ملك مالك دار غیر از ملك حق اختیار آن ملك را ندارد سلب تسلط مالك را از ملك کردن علاوه بر اینکه موافق با اصول مذهبی ما نیست موافق با اصول قانون اساسی ما هم نیست. آنوقت دولت بیاید يك تصویب نامه صادر بکند که يك شخصی که میخواهد درخت خودش را بکند یا آجاره بدهد بنده خیال میکنم این تصرف در سلطنت مالك است در ملك خودش و اینرا نمیتواند مجلس بطور عادی تلقی کند باید هر وقت همچو چیزی بگوش مجلس رسید برای حفظ اصول قانون اساسی و مذهبی فوراً نقض آن

مسئله را اعلام کند تا دیگر دولتها نتوانند از این کارها بکنند. اما اینکه آقای وزیر معارف فرمودند ممکن است که این يك سابقه شود و مفهوم مخالفش این بشود که بعد از این هر وقت که دولت تصویب نامه بر خلاف قانون صادر کرد مادمه که آن تصویب نامه با رأی مجلس نقض نشود به قوت خودش باقی است. هنوز که مجلس این تصویب نامه را لغو نکرده اسباب زحمت مرده شده اند و مأمور در دهات و شهرهای دور دست فرستاده اند و آقایان همه مستحضرات که يك نظامنامه را دولت می نویسد و بدست مأمور میدهد و او هم هر چه دانش میخواهد بسر مرده بیچاره میآورد دولت حق ندارد تصویب نامه صادر کند. چه ما بگوئیم چه نکوئیم حق ندارد و نباید سبب زحمت مرده را فراهم بیآورد. مجلس غیر از این که از این کارهای خلاف قانون جلوگیری کند کار دیگری ندارد. وارد در کارهای قوه مجریه هم نمیتوانیم بشویم زیرا ما قوه مقننه هستیم و نباید در امور قوه مجریه دخالت کنیم و چون باید از تعدیات هم جلوگیری کرد از این جهت ناچار شدیم که يك طرح قانونی پیشنهاد کنیم که این وسیله از تعدی نسبت بمرده جلوگیری شود. و غیر از این چاره نداریم.

با این مقدمات چون بنده این تصویب نامه را با دو اصل مخالف میدانم با اصل قانون اساسی و هم با اصول مذهبی ازینجهت عقیده دارم که بقید دو فوریت باید تصویب شود.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - غالباً در این جور مسائل که دو طرف دارد يك طرف موافق که محاسنی اظهار میکند و يك طرف مخالف که معایبی اظهار میدارد وقتی که در نتیجه مذاکرات طرفین می خواهند بهم نزدیک شوند آنوقت به عقیده بنده با فشاری يك طرف که حتماً باید فلان طور شود عکس العمل پیدا میکند. آقایانی که در این قضیه بیشتر از همه علاقه مند هستند و هر روز تحت

فشار موکلین خودشان هستند مثل آقای دادگر و حاج آقا رضا رفیع و سایرین البته موافقت میفرمایند که قدری بیشتر در این باب دقت شود تا منظور اصلی آقایان که رفع مزاحمت از صاحبان جنکلی است بعمل آید. این يك موضوعی است که بنظر بنده صحیح است ولی حالانده با آقای عراقی که بشاید در محوطه خودمان جنگلی هم موجود نیست اگر بخوایم يك طرف قضیه را کش بدهیم و تعقیب کنیم و طرف دیگر را از بین ببریم آن وقت ما هم مجبوریم که بفشاری بکنیم برای اینکه يك مسائل اساسی از بین نرود. بنده اساساً معتقدم که هیئت وزراء حق صدور تصویب نامه برخلاف قانون ندارند و هر دولتی که بخواید از يك همچو حق نامشروعی استفاده کند باید مورد استیضاح واقع شود پس اگر میخواهیم ضعف قوه خودمان را نشان بدهیم و يك چیزی که مخالف قانون است بخوایم يك ماده قانون آن را لغو کنیم این خوب نیست خواست آقایان اجازه بدهند که این ماده برود کمیسیون و در این ضمن شاید خود دولت اعلان الغاء این تصویب نامه را بدهد. اساساً عقیده ام این است که این مسئله باید مسکوت بماند و اگر دولت الغاء نکند باید يك فورمولی با حضور نماینده دولت و اشخاص مطلع و با دقت کاملی در کمیسیون راه حلی پیدا کنیم و يك چیزی به مجلس بیآوریم که شأن قوه مقننه باشد به عقیده بنده برخلاف اصول است که ما يك همچو چیزی را بفوریت بگذرانیم. و این بحق مجلس لطمه میزند.

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده هم مخالفم بعد از يك موافق عرض خواهم کرد.

رئیس - با چه مخالفید؟

افسر - با فوریت مخالفم

رئیس - آقای خواجوی

خواجوی - عرضی ندارم

رئیس - آقای زعیم

زعیم - بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - اجازه میفرمائید عرض کنم.

رئیس - مخالف هستید؟

دادگر - بیک طرز خاصی. (خنده نمایندگان)

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود بنده از اشخاصی هستم که این لایحه را

اعضاء کرده‌ام و جهتش هم این است که آن اندازه که بنده از تعدیات مأمورین فعلی در آذربایجان مطلع هستم گمان میکنم آقایان مطلع نباشند بنده این لایحه را امضاء کردم در حالتی که با اصل مسئله مخالفم و تصویب نامه را هم قانون نمیدانم ولی از بسکه از تعدیات مأمورین مطلع بودم و از طرف دیگر سهل انگاری دولت را راجع برفع تعدیات مأمورین خودش میدانستم از این جهت بود که این لایحه و طرح را امضا کردم و پس از آنکه آقای وزیر معارف دفاع کردند و شرحی راجع بفوریت لایحه فرمودند گرچه فرمایشات اولی ایشان خیلی خوب بود و بنده هم موافقم ولی بعد نتیجه را طوری گرفتند که مقصود بعمل نیامد. همینطور که فرمودند ما تصویب نامه را قانون نمیدانیم و برای چیزی که قانون نیست نباید قانون گذراند. چنانچه مثلاً برای فلاں آدمی که در کوچه آدم کشته است نباید این جا قانون بگذاریم که آدم کشی بد است و بنده با کمال نزاکت عرض میکنم وقتی که دولت بیک چنین تصویب نامه برخلاف بیک قانونی صادر کرد باید آن را پاره کرد و گذاشت نوبی پاکت و پیش خودش فرستاد. مالیات وضع کردن حق دولت نیست. در

کند که مثلاً درخت را نسوزان و نگاهدار که فلائقدر قیمت پیدا خواهد کرد. خوب. اگر دولت بیک همچو امرهایی به مأمور خودش داده باشد که مخالف شرع و عرف نیست و ضرری ندارد.

پس خوبست این امری که آقایان در نظر دارند معلوم شود کدام است و الا بطور مطلق خوب نیست زیرا ممکن است بیک امرهایی داده باشد که از مد نظر تکالیف وزارت فوائد عامه بیک حرف صحیحی باشد و مخالف با قانون هم نباشد. چون مطلقاً نوشته شده (هر امری) از این جهت بنده با فوریتش مخالفم و از آقایان وزراء که مسؤلیت مشترک دارند و حاضرند و مسبقاً با سایر آقایانی که مستحضرنند خواهشمندم توضیح بدهند تا معلوم شود و بنده هم بدانم. اگر مقصود از اوامر این‌ها این بود که بنده عرض کردم که اشکالی ندارد و اگر مقصود اوامر دیگریست که بنده نمیدانم و تقاضا دارم بفرمایند تا مطلب معلوم شود: غرض بنده این است که بطور مطلق نمیتوانیم بپذیریم و نمی توان فرض کرد که هر امری که وزارت فوائد عامه داده مخالف قانون است. بین جهت بنده با فوریت این لایحه مخالفم ولی با اساس قضیه کاملاً موافقم و دولت هیچ حق ندارد که بدون رضایت صاحبش درختی را ببرد.

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - چند نفر از آقایان پیشنهاد کرده اند که بفوریت قسم دوم رأی گرفته نشود. ولی برخلاف نظامنامه است باید رأی بگیریم منتهی آنهایی که مخالفند رأی نخواهند داد رأی میگیریم بفوریت ثانی یعنی عدم ارجاع به کمیسیون آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(همهمه بین نمایندگان)

رئیس - عرض کردم رأی گرفته میشود بفوریت قسم دوم یعنی عدم ارجاع به کمیسیون. آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(عده از نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد. مراجعه میشود به کمیسیون فوئد عامه. در لایحه ورزش اجباری باید رأی بگیریم برای شور درمواد. آقایانی که شور درمواد را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده اول - وزارت معارف مجاز است که ورزش را در کلیه مدارس جدید اجباری نماید.

رئیس - آقای باستانی

باستانی - مخالفت بنده با این ماده از دو راه است یکی از مد نظر این که در این ماده نوشته اند: «دولت مجاز است» و بنده همان نظری را دارم که یکی از نمایندگان محترم (گوینا آقای کازرونی بودند) اظهار فرمودند ما باید دولت را مکلف کنیم نه اینکه دولت را مجاز یعنی مختار کنیم که اگر دلش خواست این کار را بکند و اگر دلش نخواست نکند. ما قانون می نویسیم که اجباری باشد در این صورت کله (مجاز است) باید به (مکلف است) تبدیل شود دیگر این که بنده بعنوان مخالفت میخواهم از آقای وزیر معارف استعلام کنم که این مسئله شامل مدارس خارجه هم که در ایران تأسیس شده است میشود یا نه؟ و آیا وزارت معارف نسبت به برگرام این مدارس که این قانون هم قطعاً جزو برگرام مدارس خواهد بود نظریه‌هایی دارد یا نه؟ و بعبارت آخری این مدارس کاملاً و عملاً در تحت نظر وزارت معارف است یا خبر اعتدائی بوزارت معارف ندارند؟ و آیا آقای وزیر معارف بنا اطمینان میدهند که ورزش در آن مدارس هم اجباری میشود و برگرامشان هم بتصویب شورای عالی معارف میرسد یا خیر؟ وزیر معارف - اولاً راجع به تبدیل کله (مجاز) به (مکلف) بنده مخالفتی ندارم و هر قدر این قانون قوی تر باشد بهتر است ولی تصدیق میفرمائید که این

لايحه دو شور دارد و فعلا شور اول است در ضمن هر پيشنهاديکه آقايان دارند مي توانند تقديم مقام محترم رياست بکنند و راجع به کميسيون بشود. اما راجع بمدارس اتباع خارجه که در ايران هستند عبارتي که در اينجا قيد شده است اين است که «در کليه مدارس جديده» و هيچ استثنائي نخواهد بود. و اين ترتيب در کليه مدارس جديده که در ايران تاسيس شده و ميشود خواه از طرف اتباع داخله و خواه از طرف اتباع خارجه باشد مجري خواهد بود و اين قانون باسويه در باره همه مدارس مجري خواهد بود و همچنين نسبت بساز مواد بگرام هم وزارت فوايد عمه ميتواند هيچ فرقي بين مدارس اتباع داخله يا خارجه بگذارد.

بعضي از نمايندگان - صحيح است

رئيس - آقاي بامداد

بامداد - موافقم

رئيس - آقاي فرمند

فرمند - بنده هم موافقم

رئيس - آقاي ارباب

ارباب كيخسرو - بنده هم موافقم

رئيس - آقاي فيروز آبادي

فيروز آبادي - بنده ميخواهم يك سوالي از آقاي وزير معارف بکنم. در اين جا مطلقا نوشته اند «مدارس جديده» و ديگر ذكور و انثا را معين نکرده اند آيا در مدارس انثا هم ورزش بايد باشد يا نه؟

رئيس - آقاي بامداد

بامداد - از لوايحي که بنده هيچ انتظار نداشتم کسي مخالفت کند يکي همين لايحه است و بنده اسم را جزو موافقين نوشتم در حالي که تصور نميکردم اصلا مخالفي باشد و نوبت دفاع به بنده برسد...

بعضي از نمايندگان - مخالفت نشد. سوال شد

بامداد - همانطور که فرمودند الحمد لله مخالفت نشد

ميکنم که مقصود اين است: ضعيفه قويه نشود. بالاخره ورزش کردن و تقويت اعصاب بدني نمودن محظور شرعي و عرفي ندارد وزارت معارف بايد بداند که تقويت نژاد و نسل آتیه مربوط باين است که مادر هاي قوي داشته باشند بنا بر اين بنده عقیده دارم توجه بيشتري در اين امر بشود.

رئيس - (خطاب با آقاي دادگر) حالا مذاکرات کافي است رأي ميگيريم بکفایت مذاکرات آقايان يکيه مذاکرات کافي ميدانند قيام فرمايند

(عده کثيري قيام نمودند)

رئيس - تصويب شد. پيشنهاد آقاي حاج شيخ بيت

(بشرح ذيل خوانده شد)

تبصره ذيل را پيشنهاد ميکنم:

تبصره - وزارت معارف مکلف است مديران مدارس را مأمور کند که شاگردان مدارس را در موقع نماز و ادار نماز گذاردن بنمايند.

حاج شيخ بيت - يعقوب الموسوي

(همهمه بين نمايندگان)

باسائي - اگر پيشنهاد رد شود يعني ديگر نماز نخواهند؟!

رئيس - اين لايحه ورزش است. پيشنهاد آقاي عدل

(باين مضمون خوانده شد)

بنده پيشنهاد ميکنم (کلمه مجاز) مبدل به (کلمه مکلف)

شود.

آقا سيد يعقوب - بنده جدا اخطار دارم! بنده تعجب ميکنم از آقايان که چرا نمي گذارند در يك مطلبي که گفته شده توضيح داده شود و هوو جنجال ميکنند. آخر اين مملکت مملکت مسلمان است

رئيس - از روي کدام ماده اخطار داريد؟

آقا سيد يعقوب - از روي هزار ماده. از روي قانون اساسي. از روي مواد نظامنامه

رئيس - يك ماده اش را بخوانيد.

آقا سيد يعقوب - ماده دوم قانون اساسي.

رئيس - ماده نظامنامه را بخوانيد.

آقا سيد يعقوب - بنده استرداد ميکنم.

وزير معارف - اجازه ميفرمائيد عرض کنم.

آقا سيد يعقوب - قانون اساسي بالا تر است يا نظامنامه؟

رئيس - آقا مغلطه نکنيد. بگذاريد مطلب روشن شود.

وزير معارف - خودتان خوب ميدانيد مطابق نظامنامه

پيشنهاد هائي که در شور اول داده ميشود توضيح و

استدلال ندارد. فقط قرائت ميشود و بكميسيون ارجاع

ميشود پيشنهاد کننده بايد تحمل کند که پيشنهادش

برود بكميسيون مربوطه کميسيون به مخالفت ميکند يا

موافقت و در هر حال در شور دوم تکليفيش معذور خواهد شد

پس اين مورد اخطار ميشود باين جهت هم بود که

ايشان اجازه ندادند حرف بزنيد

رئيس - پيشنهاد ها قرائت ميشود.

(پنج فقره پيشنهاد به مضمون آتي قرائت شد)

۱ - بنده پيشنهاد ميکنم در ماده اول بجزئي (مجاز

است) نوشته شود (مکلف است) (جواد الهائي خواني)

۲ - بنده پيشنهاد ميکنم کلمه (جديد) از ماده اول

حذف شود. (کازروني)

۳ - بنده ماده اول را بنحو ذيل اصلاح و پيشنهاد

ميکنم.

ماده اول - وزارت معارف مکلف است که ورزش

را در کليه مدارس جديده ذکور اعم از مدارس داخلي

و مدارس که اتباع خارجه تاسيس کرده اند اجباري

نمايد. (باسائي)

۴ - بنده پيشنهاد ميکنم از ماده اول لفظ

(جدیده) حذف شود .
 ۵ - بنده پیشنهاد میکنم کلمه (جدیده) مبدل شود (بمدارس موجوده) .
 عصر انقلاب

رئیس - ماده دوم قرائت میشود .

(به شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲ - بغير از ایام تعطیل همه روزه در مدارس مزبور باید ورزش بعمل آید .

رئیس - آقای عدل

عدل - عرض میشود این قانون بقدری مختصر است که آقای مخبر مجبور شده اند برای اینکه مفصل شود بعضی مواد نظامنامه را در این جا نوشته اند . وقتی که ما وزارت معارف را مکلف کنیم که در مدارس جدیده ورزش را عمومی و اجباری بنماید دیگر لازم نیست که ساعتش را هم معین کنیم یا بگوئیم غیر از ایام تعطیل بدهی است وقتی که تعطیل شد دیگر بچه هارا برای ورزش آنجا حاضر نخواهند کرد . و اینکه غیر از ایام تعطیل همه روزه ورزش باید بعمل بیاید این بدهی است و لازم بذکر در این جا نیست وزارت معارف خواسته ورزش را اجباری کند و غیر از ایام تعطیل همه روزه ورزش خواهد بود . پس به عقیده بنده ماده دوم و سوم لزومی ندارد که در قانون نوشته شود

وزیر معارف - بنده تصدیق میکنم که ماده دوم و سوم بلکه ماده اول هم جزو مواد نظامنامه است برای اینکه پس از آنکه شورای عالی معارف پروگرام مدارس را تصویب کرد آن موادی که معین میشود اجباری و قانونی است پس علت اینکه این لایحه بطوریکه موضوع خاصی بعرض مجلس رسیده و ماده دوم و سوم هم پیش بینی شده چیست؟ علتش این است که در این مملکت نظامنامه هائی که در وزارت خائهای مربوطه تدوین میشود دائمی نیست و در تحت تأثیرات داخلی واقع میشود و تغییر و تبدیل پیدا میکند - بنابراین چون این موضوع

مهم و اساسی بوده است باین جهت در ضمن لایحه به مجلس پیشنهاد و تقدیم کردیم که مصون از تعرضات باشد و الا اگر بطور نظامنامه باشد هیچ عملی نخواهد بود و بالاخره وضعیت امروز را پیدا خواهد کرد . در پروگرام وزارت معارف که امروزه متداول است اگر ملاحظه بفرمائید خواهید دید که ورزش را هم دارد . منتهی بعضی مدارس هفته دو ساعت . بعضی دیگر هفته یک ساعت . بعضی مدارس دیگر اصلاً ورزش ندارند . و آنهایی هم که دارند غیر منظم است . تصدیق میفرمائید که در هفته دو ساعت با سه ساعت ورزش بجای اینکه مفید باشد مضر است . و ترتیب فعلی ورزش در مدارس این طور است که بعضی مدارس در ساعت اول که مدرسه افتتاح میشود ورزش دارند بعضی دیگر ساعت دوم بعضی دیگر ساعت بعد که یکساعت بظهر مانده است . و بعضی از مدارس دو ساعت از ظهر گذشته . و این یک ترتیب غیر منظم و عجیب و غریبی است . بنا بر این بواسطه پیش بینی از اینکه اگر بنا میشد مراتب در قانون ذکر نمیشد باز دچار همین مشکلات و بی ترتیبی ها میشدیم این بود که در این جا عرض شد . و بنده عقیده دارم خیلی از چیزها که حقیقت این است در نظامنامه قید شود بیستی تا سالیان سال جزو قانون باشد برای این که از تعرضات فکری اشخاص مصون باشد . و این که در این جا نوشته شده (بغير از ایام تعطیل) برای این است که عبارت مجملی نباشد و اگر فقط مینوشتیم که همه روزه در مدارس ورزش باشد ممکن بود يك کسی پیدا شود و مثلاً بگوید و همچو تعبیر کند که روز جمعه یا تعطیل عاشورا هم باید شاگرد را برای ورزش جلب کنند . و اگر غیر از این بود وضعیت فعلی را پیدا میکرد و آنوقت نقض غرض و بر خلاف مقصود بود .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - مذاکرات کافی است ؟

جمعی از نمایندگان - بلی

رئیس - پیشنهاد ها قرائت میشود .

(بمضمون ذیل خوانده شد)

۱ - پیشنهاد میکنم ماده دوم بترتیب ذیل تنظیم شود . بغير از روزهای جمعه و سایر روزهای تعطیل همه روزه در مدارس باید موافق نظامنامه که وزارت معارف تهیه خواهد کرد ورزش بعمل آید . دینا

۲ - بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل اضافه شود :

تبصره - ورزش باید متحد الشكل و از روی اصول علم تدریس و از روی علم ورزش مدارس باشد

سهراب ساکینیان

۳ - بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم حذف شود بسائی

۴ - پیشنهاد میکنم ماده دوم حذف شود .

حتشام زاده

رئیس - ماده سوم .

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده سوم - عدّه ساعات و اوقات ورزش را وزارت معارف معین خواهد کرد .

رئیس - آقای بامداد

بامداد - موافقم .

رئیس - آقای عدل

عدل - فرمایشات آقای وزیر معارف در ماده دوم بنده را قانع نکرد . همینطور در ماده سه . باید دانست که اوقات ورزش را غیر از وزارت معارف کی باید معین کند؟ مگر غیر از وزارت معارف دیگری هم هست که این ساعات را تعیین کند . این بدهی است . چه احتیاج بذکر دارد . پس از آنکه ورزش اجباری شد طبیعی است که وزارت معارف این کار را معین

خواهد کرد . و علاوه بر اینکه این لفظ زائد است از فصاحت هم دور است و قانون را هم کسدار میکند و ممکن است طور دیگر تعبیر کنند از این جهت بنده پیشنهاد کردم حذف شود .

مخبر - این که فرمودند معلوم است که وزارت معارف اوقات ساعات ورزش را معین خواهد کرد . معلوم نیست . زیرا ممکن است که مدیران مدارس بختیاری خود شان هر شهری بیک طرز و هر مدرسه بیک طوری و هر نظم و مدیر مدرسه بمیل خودش این کار را معین کند این که در این جا ذکر شده برای این است که معلوم باشد از طرف وزارت معارف معین خواهد شد نه از طرف دیگران .

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم .

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود .

(باین عبارت خوانده شد)

ماده ۴ - این قانون پس از تصویب بمدت یکسال در مراکز ایالات و ولایات و بعد در سایر نقاط بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده با این مدت کاملاً مخالفم زیرا تصور میکنم چهار نفر معلم برای چهار مرکز ایالات و چندین معلم هم برای جاهای دیگر وزارت معارف بتواند در ظرف سه ماه معین کند . بعلاوه این که نوشته یکسال در ولایات و بعد در سایر نقاط . معلوم نیست بعد از یکسال چه قدر طول خواهد کشید و مقصود ما این است که هرچه زودتر این قانون اجرا شود و نسل حاضر از این کار استفاده کند .

مخبر - در این ماده چهارم منتهای مدت را معین کرده است ننوشته است بعد از یکسال . نوشته است تا یکسال وزارت معارف مکلف است که این کار را بکند و البته آقایان میدانند که ورزش يك وسائل و لوازمی لازم